



نیم نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی دوران امامت امام حسن عسکری (ع)

امام عسکری (ع) باید زمینه را برای امامت فرزندش و آمادگی مردم برای ورود به عصر غیبت را فراهم می‌کردند، که با فشار و محدودیت‌های حاکمان عباسی کار بسیار دشواری بود.

امام عسکری (ع) باید زمینه را برای امامت فرزندش و آمادگی مردم برای ورود به عصر غیبت را فراهم می‌کردند، که با فشار و محدودیت‌های حاکمان عباسی کار بسیار دشواری بود.

خبرگزاری مهر، علیرضا صفاری: امام حسن عسکری (ع) یازدهمین امام شیعیان در سال ۲۳۲ هـ چشم به جهان گشود، حضرت به مدت ۲ سال در سخت ترین شرایط و خفقان سیاسی، امامت و رهبری شیعیان را بر عهده گرفت. امام حسن عسکری (ع) در دوران امامت پدر بزرگوارشان شاهد حوادث و برخوردهای شدید میان علویان و عباسیان بود. هرچند که آسیب و فشار دستگاه حکومت بر آن‌ها زیاد بود، ولی شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، قیام مسلحانه را اقتضا نمی‌کرد؛ لذا امام هادی (ع) هیچ‌گونه تحرکی در این زمینه از خود نشان ندادند.

همچنین با توجه به همین جهات سیاسی، آن حضرت صلاح ندیدند که از قیام‌های علوی همچون قیام محمد بن قاسم، یحیی بن عمر بن حسین و حسین بن زید بن محمد حمایت علنی کنند. ولی بنی‌عباس از امام در وحشت و هراس بوده و او را به چشم یک رهبر اجتماعی بانفوذ می‌نگریستند. نتیجه این‌که، امام حسن عسکری (ع) در دوران قبل از امامت خود شاهد فشار شدید سیاسی و اقتصادی بر امام هادی (ع) و شیعیان آن حضرت و نیز مبارزه، استقامت و پایداری سیاسی و عقیدتی آن‌ها بود؛ مواردی که در دوران امامت آن حضرت تأثیر زیادی داشت. حضرت در سال ۲۴۳ هـ با فشار متوکل عباسی به سامراء منتقل شد؛ چون تصور عباسیان این بود که ممکن است امامان، همانند سایر علویان، با داشتن هوادارانی چند دست به قیام بزنند. از اینرو باید تحت کنترل قرار می‌گرفتند. شرایط موجود در این دوره، عملاً قدرت مانوردهی و فعالیت‌های بیشتر را از حضرت گرفته بود، با این حال این بدان معنا نبود که امام حسن عسکری (ع) در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌پرداختند. نوشتار پیش روی، به بخشی از این فعالیت‌ها می‌پردازد.

فضای سیاسی، اجتماعی عصر امام عسکری (ع)

در این زمان شیعیان به صورت یک قدرت عظیم در عراق مطرح بودند و علناً با حاکمان عباسی مخالفت می‌کردند و حاکمان عباسی نیز، توجه و فشار خود را معطوف امامان (ع) شیعه و پیروان آنان کرده بودند. با چنین تصویری، با گسترش جاسوسان خود مراقب وضع زندگی امام (ع) بودند؛ حتی در زمان معتز امام (ع) بازداشت و روانه زندان شده بود و به «سعید حاجب» مأموریت داده بود تا امام (ع) را به سوی کوفه ببرد و در بین راه حضرت را به شهادت برساند ولی پس از سه روز همراهان وی، خود او را به هلاکت رساندند.

«مهدی» هم تصمیم به قتل امام (ع) گرفت ولی موفق به اجرای آن نشد. از سوی دیگر، امام عسکری (ع) باید زمینه را برای امامت فرزندش و آمادگی مردم برای ورود به عصر غیبت را فراهم می‌کردند، که با فشار و محدودیت‌های حاکمان عباسی کار بسیار دشواری بود البته این زمینه سازی از قبل توسط امامان گذشته انجام گرفته بود ولی در زمان امام عسکری (ع) جلوة بیشتری می‌یافت زیرا امام (ع) با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی (ع)، او را تنها به شیعیان و مریدان خاص نشان داده بود و تماس مستقیم شیعیان، با خود آن حضرت، روز به روز محدودتر و کمتر می‌شد.

فعالیت های فکری فرهنگی امام حسن عسکری (ع)

فضای دوران امام عسکری اجازه فعالیت های سیاسی را نمی داد از اینرو بهترین رویکرد، اقدامات فرهنگی بود. در این راستا، رساله‌ها و نامه هایی از امام حسن عسکری (ع) ثبت شده است که آنها را برای شیعیان، برخی مناطق شیعه نشین، یا افراد عادی فرستاده اند حتی زمانی که در حصر عباسیان بودند و در نامه‌ها ضمن اشاره به معارف دینی و لزوم انجام احکام الهی، بسیاری از مسائل لازم و ضروری را یادآوری یا بر انجام برخی کارها پافشاری کرده اند که برای نمونه، می‌توان از نامه امام عسکری (ع) به علی بن حسین بابویه اشاره نمود که امام در این نامه برای ایشان دعا نمودند و خداوند دعای ایشان را مستجاب نموده و شیخ صدوق را به او عطا کرده است.

بدون شک، یکی از دغدغه‌های اصلی امامان شیعه حفظ شیعیان و تربیت نیرو بوده است امام عسکری (ع) با تأسیس مرکز علمی در پی تربیت نیرو بر آمده و شاگردان والامقام و ارجمندی تحویل جامعه داده اند مانند احمد بن اسحاق قمی، عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح (هر دو از نواب اربعه امام زمان (ع) عدا... بن جعفر حمیری مؤلف کتاب الغیبة و الحیرة از کارگزاران نواب اول و دوم بوده است. البته هدف امام عسکری (ع) ضمن تشویق نشر دهندگان و نگهبانان فرهنگ اهل بیت علیه السلام، آنان را به مناطق مختلف شیعه نشین اعزام کرده تا ضمن پاسخ گو بودن به شبهات، ارتباط با شیعیان را حفظ نمایند. مبارزه با انحرافات و شبهات را نیز باید از دیگر فعالیت فکری و فرهنگی حضرت نام برد. بخشی از فعالیت‌های علمی امام حسن عسکری علیه السلام مربوط به موضعگیری‌های قاطع ایشان در برابر اندیشه‌های انحرافی صوفیان، واقفه، مفوضه و... بود که حضرت با صراحت موضع گرفته و ضمن باطل و دروغ دانستن آنان شیعیان را از انحراف حفظ می‌نمودند و مناظره با کسانی

که عقائد باطل داشتند و مردم را دچار شک و تردید می نمودند؛ مانند مقابله با راهب نصرانی و مناظره و گفتمان با فیلسوف معروف عراقی بنام یعقوب بن اسحاق کندی

ساماندهی و تقویت سازمان وکالت

وجود نظام وکالت به قبل از دوران امامت حسن عسکری(ع) باز می گردد. در حقیقت با شروع کنترل روابط امامان معصوم(ع) و محصور شدن ایشان توسط دستگاه حکومتی، روش نوین ارتباطی وکالت و نظام نمایندگان توسط امامان معصوم(ع) ایجاد شد. برای مثال در زمان امام جواد(ع) کارگزاران ایشان در مناطق سیستان، بست، ری، کوفه و قم فعالیت داشتند. امام هادی(ع) نیز وکلایی را در مناطق و شهرهای مختلف منصوب کردند که از مهم ترین آن ها، علی بن مهزیار و ابراهیم بن محمد همدانی بودند.

برخی از وکلای امام در بغداد، مدائن، کوفه و... زیر شکنجه به شهادت رسیدند و عده ای دیگر زندانی شدند. پس از شهادت امام هادی(ع) و به امامت رسیدن امام حسن عسکری(ع)، نظام وکالتی همچنان به فعالیت خود ادامه داد و با توجه به گسترش و پراکندگی شیعیان در شهرهای گوناگون، به خصوص مناطقی همچون نیشابور، بیهق، کاشان، ری و قم ارتباط منظم و دقیقی مورد نیاز بود تا خیل عظیم شیعیان، رهبری و هدایت شوند. به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام(ع) نمایندگانی را از میان چهره های درخشان و برجسته شیعیان انتخاب و در مناطق متعدد منصوب کرد. ایشان همانند پدر بزرگوارش وکلای ارشدی را برای نواحی مختلف نصب نموده تا بر کار سایر وکلا نظارت داشته باشند علاوه بر این عثمان بن سعید عمری را به عنوان وکیل الوکلای خود معرفی نمود تا همه وکلا به او مراجعه کنند.

وکلای حضرت بیشتر به وسیله نامه و توسط افراد مطمئن با ایشان در ارتباط بودند. در طی این نامه ها بخش عمده ای از معارف فقهی و کلامی آن بزرگوار به شیعیان می رسید و گاه سؤالات و معضلات آن ها را برطرف می ساخت. طولانی ترین آن ها یکی از توقیعات امام حسن عسکری(ع) به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری است که سراسر پندهای اخلاقی و رهنمودهای با ارزش است. امام در آغاز نامه پس از مقدمه ای طولانی درباره اهمیت هدایت الهی از طریق اوصیا و اینکه ائمه(ع) ابواب علم الهی هستند، آیه (الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) را دلیل و منت خدا بر انتخاب آنان از جهت هدایت مردم برشمرده است.

به برکت وجود نظام وکالت و نامه هایی که میان امامان معصوم(ع) و شیعیان رد و بدل می شد، به سؤالات بسیاری توسط امامان جواب داده می شد. از طرفی نیز به دلیل نظارت زیادی بر امامان از سوی حکومت، آن ها نمی توانستند مواضع سیاسی خود را به طور صریح بیان کنند؛ از این رو وکلا این نقش را به عهده می گرفتند و نظرات سیاسی و مواضع ایشان در مقابل حکومت جور را به گوش شیعیان می رساندند. با نزدیک تر شدن امامت حضرت ولی عصر(عج) و آغاز غیبت صغری، نقش سیستم ارتباطی وکالت پررنگ تر و بر اهمیتش افزوده می شد؛ زیرا در دوران غیبت، امکان دیدن امام برای شیعیان وجود نداشت و تنها راه ارتباطی شیعیان با امام معصوم(ع)، نمایندگان و وکلا بودند.

بنابراین باید ائمه اطهار(ع) با اعتماد به افراد ثقه و مورد اطمینان خویش و ایجاد ارتباط میان این افراد و شیعیان، چنین سیستمی را ایجاد می کردند تا اعتماد جامعه شیعی نیز به آن جلب شود. تأسیس چنین نظامی به صورت ناگهانی و در دوران غیبت ناممکن بود و ثمره ای نداشت؛ از این رو این نظام باید از سالیان قبل ایجاد می شد و شایستگی خود را در امر نمایندگی و وکالت به اثبات می رسانید.